

رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری و سبک‌های هویتی نوجوانان □

The Relationship between Parenting Styles and Identity Styles in Adolescent □

Jalil Babapour Kheiroddin, Ph.D., ✉

Bahman Esmaeili.,

Mojtaba Gholamzadeh.,

Wahhab Mohammadpour

دکتر جلیل باباپور خیرالدین *

بهمن اسماعیلی انامق *

مجتبی غلامزاده *

وهاب محمدپور *

Abstract

This study investigated the relationship between parenting style and identity styles among highschool students. sample included 200 last-grade highschool students in city of Marand who were selected via random cluster sampling method. Tools used in research, including Parenting Styles and Dimensions Questionnaire (PSQD) and Identity Style Inventory (ISI-6G). Data analysis with the Pearson correlation coefficient and regression multivariate. Data analysis showed that the relationship between parental parenting style have a good relation and forecast for identity styles and commitment identity. Results indicate that children of teenage parents who have a athrowative of parenting styles fourther have a commitment identity, informational and normative identity, Whereas, children of teenage parents who have a authoritarian and permissive of parenting styles fourther have a confused - avoidance identity styles.

Keywords: parenting styles, identity style, adolescent,

چکیده

هدف این پژوهش تعیین رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و شکل‌گیری سبک‌های هویتی نوجوانان بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۰۰ دانش‌آموزان در مقطع پیش‌دانشگاهی شهرستان مرند بود که به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در تحقیق شامل پرسشنامه‌ی ابعاد و سبک فرزندپروری والدینی بامریند سیاه و سبک‌های هویتی بزونسکی بود. داده‌های به دست آمده با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره تحلیل شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری والدین از رابطه و پیش‌بینی مناسبی برای سبک‌های هویتی و تعهد هویتی برخوردارند. نتایج پژوهش بیانگر این است که فرزندان نوجوان والدینی که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه دارند بیشتر دارای تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی و هنجاری هستند، در حالیکه، فرزندان نوجوان والدینی که شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند بیشتر از سبک هویتی سردرگم - اجتنابی برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری،

سبک‌های هویت، جوانان

□ Department of Psychology University of Tabriz,
I.R. Iran.
✉ Email: babapourj@yahoo.com

□ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۰/۲۰ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۱۰/۱۸
* گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
دانشگاه تبریز

● مقدمه

سالهای نوجوانی بهترین دوره در طول زندگی برای بازسازی جنبه‌های روانی-اجتماعی است. شکل‌گیری اهداف شخصی، ارزش‌ها و عقاید تحت تاثیر انواع زمینه‌های اجتماعی مانند درون‌خانواده، مدرسه و سایر گروه‌ها است که نوجوانان در آنها رشد می‌کنند. والدین و خانواده تاثیر بسیاری در هدایت بچه‌ها به سمت موفقیت و رشد شناختی اجتماعی و فرایند شکل‌گیری هویت دارند (هیل؛ ۱۹۸۳). رشد هویتی شامل فعالیت‌های جستجوگر نسبت به دیدگاهها، ارزش‌ها و آرزوها و تعهدیافتن به آنها در طول زندگی است (اریکسون؛ ۱۹۶۸). والدین می‌توانند باعث رشد یا پیشرفت نوجوانان از طریق رفتارهای مراقبتی که در پیش می‌گیرند باشند (آدامز، دیک، بنیون؛ ۱۹۹۰). بامریند (۱۹۶۸) «شیوه‌های فرزندپروری»^۱ والدین را مطرح کرد و اظهار داشت شیوه‌های مختلف فرزندپروری بر نوجوانان در جنبه‌های مختلف رشدی تاثیر می‌گذارد. والدینی با شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه، سبک محدودکننده و تنبیه‌کننده دارند و همچنین محدودیت‌های سنگینی را برای کنترل کودک و یا نوجوانان خود تعیین می‌کنند. برعکس والدین با «شیوه سهل‌گیر»^۲ دارای پذیرش زیاد، بی‌توجه به کودک و تقاضاها و انتظارات خیلی کمی از کودک و یا نوجوان دارند. والدین مقتدر پذیرش به همراه سهل‌گیری را با مقداری مهارت بر نوجوان همراه با ارائه‌ی دلایل خاص خود دارند که باعث نظم دادن به فعالیت‌های نوجوان می‌شود. محققان اشاره کرده‌اند که شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه در مقایسه با شیوه‌های فرزندپروری «سهل‌گیر و مستبد»^۳، بهترین نوع شیوه فرزندپروری است که انواع پیامدهای مثبت روان‌شناختی برای نوجوان فراهم می‌کند (اشتبرگ؛ ۲۰۰۱).

نظریه‌ی رشد «روانی - اجتماعی»^۴ اریکسون (۱۹۶۳) هشت بحران در فراخنای عمر را شامل می‌شود، که در آن شکل‌گیری هویت از اوایل کودکی (اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی)^۵ شروع می‌شود و در نوجوانی هویت تحقق می‌یابد. کارکرد عمده دوره نوجوانی شکل‌گیری هویت و حل بحران هویت است (اریکسون؛ ۱۹۶۸). مارسیا (۱۹۶۶)، نظریه اریکسون در مورد هویت را گسترش داد و چهار نوع حالات هویت را مطرح کرد که باعث رشد تحقیقات تجربی در مورد هویت شد. مارسیا از نوشته‌های اریکسون، دو بعد مستقل به نام‌های «جستجوگری» و «تعهد» را استنباط کرد (مارسیا؛

۱۹۸۰). مارسیا با توجه به دو بعد تعهد و جستجوگری و با کنار هم قراردادن آن‌ها چهار حالت هویت مستقل را بیان کرد که شامل «پراکندگی هویت»^۶، «هویت زودرس»^۷، «هویت تعلیمی»^۸ و «هویت موفق»^۹ است (مارسیا؛ ۱۹۶۶). در هویت «پراکنده» نوجوانان هیچ تعهدی به ارزش‌ها و یا اهداف ندارند و هیچ علاقه‌ای هم جهت دستیابی به اهداف معین و ارزش‌های معین ندارند، در هویت «زودرس» افراد تعهد به ارزش‌ها و اهداف خاص دارند که این تعهد را با تلاش‌های جستجوگرانه‌ی خود نیافته‌اند، در واقع با ارزش‌های مورد قبول دیگران، خودشان را انطباق داده‌اند و در هویت موفق نوجوان با تلاش‌های جستجوگرانه‌ی خود تعهدی به ارزش‌ها و اهداف به خصوصی پیدا کرده است و در هویت «تعلیمی» تعهدی به ارزش‌ها و اهداف خاصی به وجود نیامده و بلکه با تلاش‌های جستجوگرانه‌ی خود در حال رسیدن به تعهد هویت و دستیابی به هویت هستند (مارسیا؛ ۱۹۹۳). آدامز و همکاران (۱۹۹۰) ذکر کرده‌اند که والدین تسهیل‌گر و مستبد مانع رشد هویتی نوجوانان می‌شود. شیوه‌ی فرزندپروری مستبد که مانع کسب هویتی نوجوانان می‌شود شامل خصوصیات مانده خصمانه بودن، محدود کننده، فاصله عاطفی و عدم پذیرش هست. والدین مستبد رفتارهای خودگردانی کودک را تشویق نمی‌کنند و بیشتر رفتارهای خودگردانی کودکان را محدود می‌کنند (بامریند؛ ۱۹۷۱). والدین «مقتدر» فرصت خودگردانی و استقلال را در کودک فراهم می‌کنند و رفتارهای خودگردانی و استقلال کودک را تشویق می‌کنند (بامریند؛ ۱۹۶۸). نوجوانانی که به تعهد هویت دست یافته‌اند بیشتر دارای خصوصیات مانده پذیرش تجربیات مختلف، مشکلات کم و بهترین تعامل با والدین در مقایسه با نوجوانانی دارند که به هویت و تعهد هویت دست نیافته‌اند (باوشان، شیرعلی؛ ۱۹۹۲). والدین مقتدر در کسب هویتی نوجوانان نقش مهمی ایفا می‌کنند زیرا سه مولفه‌ی عمده در این شیوه‌ی فرزندپروری وجود دارد، این سه مولفه در شیوه‌ی فرزند پروری «مقتدر»^{۱۰} عبارت‌اند از: گرمی و عطف، ثبات و استحکام در روابط و اجازه دادن خودگردانی روانی است (اشتینبرگ؛ ۲۰۰۱). شیوه‌های فرزند پروری در ارتباط با سه مرحله اول رشد روانی اجتماعی نظریه‌ی اریکسون است چنانکه به عقیده‌ی او رشد هویتی از اوایل کودکی (اعتماد در برابری اعتمادی) شروع می‌شود تا این که در نوجوانی هویت شکل می‌گیرد، مرحله اول که اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی است والدین یک حس واقعیت در بچه‌ها از طریق

برخی رفتارهای والدینی شان مانند مراقبت‌های حساس و رفتار بر اساس نیازهای شخصی، ایجاد می‌کنند (اریکسون؛ ۱۹۶۳) در مرحله خودگردانی در برابر تردید که دومین مرحله رشد روانی اجتماعی/اریکسون است کودکان به اکتشاف محیط می‌پردازند و به یک حس متمایز خود از محیط دست می‌یابند، والدین مقتدر در این مرحله به عنوان عامل کمکی باعث رشد خودگردانی کودک می‌شوند، در سومین مرحله رشد روانی اجتماعی که مرحله ابتکار در مقابل احساس گناه است، والدین مقتدر با سخت‌گیری نکردن و اجازه‌دادن آزمایش و خطا، به کودک کمک می‌کنند که در کودک یک حس خود ارزشمندی و رشد هدفمندی ایجاد شود (اریکسون؛ ۱۹۶۸).

تاثیر مثبت شیوه فرزندپروری مقتدرانه بر رشد هویتی نوجوانان در تحقیقات مختلف دل‌بستگی والد-نوجوان بررسی شده است. شولتزیز و بلواشتین (۱۹۹۴) با مطالعه خود نتیجه گرفته‌اند که دل‌بستگی به والدین پیش‌بینی کننده معنی‌دار حالات هویت در زنان است. بر اساس گزارش‌های سامبولیس ولاییرن و همکاران (۲۰۰۱) دل‌بستگی به هر دوی والدین ارتباط مثبتی با تعهد هویت دارد. فرانک و بییرس (۱۹۹۰) به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه آشفته والد-نوجوان ارتباط مثبت با هویت پراکنده و ارتباط منفی با کسب هویتی دارد. در مقایسه با نوجوانان بدون «تعهد هویت»^{۱۱}، نوجوانان دارای تعهد هویت روابط عاطفی مناسبی با والدین دارند. سارتر و یانیس (۲۰۰۲) در مطالعه خود با عنوان نقش حمایت والدین در کسب هویتی نوجوانان به این نتیجه رسیدند که رشد هویتی به طور معنی‌داری در ارتباط مثبت با حمایت‌های والدین از نوجوان در طول زندگی است. فرانک و همکاران (۱۹۹۰) یافته‌اند که حمایت‌های والدین ارتباط مثبت با رشد هویتی و ارتباط منفی با سردرگمی هویت دارد. محمدی و لطیفیان (۱۳۸۶) در ایران در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بعد گرمی-سردی در روابط والدین با نوجوانان پیش‌بینی کننده مثبت و معنی‌داری برای رشد هویتی و تعهد هویت است. از آنجا که نوع تعامل‌های والدین با نوجوانان تاثیر قابل توجهی در حرمت خود و برخی متغیرهای شخصیتی و موفقیت در زندگی آینده نوجوان دارد و بسیاری از ویژگی‌های رفتاری و مفهوم خود و هویت نوجوانان ناشی از برخی عوامل خانوادگی از جمله نوع تعامل‌های والدین با نوجوانان است، ضروری دیده می‌شود که به نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین با نوجوانان توجه شود. از بعد دیگر این که کسب

هویت و پیدا کردن جایگاه در جامعه از دغدغه‌های اصلی نوجوانان است و حل بحران هویت راه حل بسیاری از تعارض‌های دوران نوجوانی است، اهمیت می‌یابد که نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در شکل‌گیری سبک‌های هویتی نوجوانان بررسی شود. لذا هدف پژوهش حاضر تعیین نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در نوع شکل‌گیری هویت نوجوانان در جمعیت دانش‌آموزی بود.

● روش

○ «جامعه آماری» پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر مرند تشکیل می‌دهند. نمونه مورد بررسی ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان این شهر بودند، که به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. بدین ترتیب که ابتدا به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مدرسه از بین مدارس پیش‌دانشگاهی شهرستان مرند انتخاب شدند، سپس از هر مدرسه سه کلاس به شیوه تصادفی انتخاب شد. حجم نمونه اولیه بالغ بر ۲۴۶ دانش‌آموز بود که پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، داده‌های متعلق ۲۰۰ دانش‌آموز تحلیل شد. پس از تشریح هدف‌های پژوهش و جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند توسط یکی از والدین دانش‌آموزان و پرسش‌نامه سبک‌های هویتی برزونسکی توسط خود دانش‌آموزان تکمیل شد.

○ ابزار

□ ۱. پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدین^{۱۳} (PSQD). این پرسشنامه در سال ۱۹۷۲ توسط دیانا بامریند طراحی شد و شامل ۳۰ عبارت است که ۱۰ عبارت آن به شیوه «مستبدانه» و ۱۰ عبارت به شیوه «مقتدرانه» و ۱۰ عبارت دیگر به شیوه «سهل‌گیرانه» مربوط می‌شوند. با جمع نمرات عبارات مربوط به هر شیوه یک نمره بین ۰ تا ۴۰ برای هر سطح شیوه‌های فرزندپروری به دست می‌آید. به عبارت دیگر هر والد در این پرسشنامه دارای سه نمره مجزا می‌باشد. در پژوهشی که توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) انجام شد اعتبار آزمون بر روی نمونه‌ای از مادران جمعیت مورد مطالعه به شیوه بازآزمایی و با فاصله زمانی یک هفته به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش شد. هم‌چنین روایی محتوایی آزمون توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تایید قرار گرفته

است (اسفندیاری، ۱۳۷۴ به نقل از مومنی، ۱۳۷۶).

۲. سیاهه سبک‌های هویت (ISI)^۲: این ابزار توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شد، دارای ۴۰ ماده است، ۱۱ ماده به سبک هویت «اطلاعاتی»^{۱۴} (I)، ۱۰ ماده به سبک هویت «نامتمایز/اجتنابی» (DA)^{۱۵}، ۹ ماده به سبک هویت «هنجاری» (N)^{۱۶} و ۱۰ ماده به خرده مقیاس تعهد اختصاص دارد. بر پایه طیفی از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» به ماده‌ها پاسخ داده شده، ماده‌های ۲۰، ۱۴، ۱۱، ۹ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برزونسکی (۱۹۹۷) ضریب اعتبار هر یک از خرده‌مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز/اجتنابی را به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است. به دلیل پیچیدگی برخی جمله‌ها، وایت، وامپلر و وین (۱۹۹۸) تلاش کردند یک نسخه با جملات ساده‌تر تهیه کنند. آنها برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه تجدید نظرشده آن را روی یک نمونه ۳۶۱ نفری دانشجویان اجرا کردند و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را به ترتیب برای سبک هویت «اطلاعاتی»، «هنجاری» و «نامتمایز/اجتنابی» گزارش کرده‌اند. در ایران غضنفری (۱۳۸۲)، به نقل از فارسی‌نژاد، (۱۳۸۳) ضریب آلفای ۰/۶۸ را برای کل نمونه پژوهش خود به دست آورد. هم‌چنین فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ را به ترتیب برای سه خرده‌مقیاس سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز/اجتنابی گزارش کرد. برای بررسی اعتبار این سیاهه، وایت و همکاران (۱۹۹۸) پس از تحلیل عاملی، ضرایب همبستگی بین عوامل را به ترتیب برای سه عامل سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز/اجتنابی ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) نیز اعتبار سازه این آزمون را توسط روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرار داد، که اندازه‌ی کفایت نمونه‌برداری ۰/۷۵ بود. شکری و همکاران (۱۳۸۶) ضرایب آلفای کرونباخ برای سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی، تعهد هویت را به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۶۴، ۰/۰ و ۰/۷۱ به دست آوردند.

● یافته‌ها:

جدول ۱، ضرایب همبستگی شیوه‌های فرزندپروری والدین (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) را با متغیرهای هویتی را نشان می‌دهد. براساس نتایج شیوه فرزندپروری

مقتدرانه با تعهد هویتی رابطه‌ی مثبت معنی‌دار ($r=0/620, p < 0/01$) و با هویت اطلاعاتی رابطه مثبت معنی‌دار ($r=0/611, p < 0/01$) و با هویت سردرگم اجتنابی رابطه منفی معنی‌دار ($r=-0/364, p < 0/01$) و با هویت هنجاری رابطه مثبت غیرمعنی‌دار ($r=0/61$) دارد. شیوه فرزندپروری مستبدانه با تعهد هویتی رابطه منفی معنی‌دار با ۹۹ درصد اطمینان ($r=-0/580$) و با هویت اطلاعاتی رابطه منفی معنی‌دار ($p < 0/01$)، با هویت سردرگم اجتنابی رابطه مثبت معنی‌دار ($r=0/423, p < 0/01$) و با هویت هنجاری رابطه منفی غیرمعنی‌دار ($r=-0/110$) دارد. شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با تعهد هویتی رابطه منفی معنی‌دار ($r=-0/601, p < 0/01$) و با هویت اطلاعاتی رابطه منفی معنی‌دار ($r=-0/658, p < 0/01$) و با هویت سردرگم اجتنابی رابطه مثبت معنی‌دار ($r=0/424, p < 0/01$) و با هویت هنجاری رابطه منفی معنی‌دار ($r=-0/192, p < 0/01$) دارد.

جدول ۱. ضرایب همبستگی پیرسون بین شیوه‌های فرزند پروری والدینی با متغیرهای هویتی

| متغیرها | تعهد هویتی | هویت اطلاعاتی | هویت هنجاری | هویت سردرگم اجتنابی |
|----------------------------|------------|---------------|-------------|---------------------|
| شیوه فرزندپروری مقتدرانه | ** ۰/۶۲۰ | ** ۰/۶۱۱ | ۰/۰۶۱ | ** -۰/۳۶۴ |
| شیوه فرزندپروری مستبدانه | ** -۰/۵۸۰ | ** -۰/۶۳۲ | -۰/۱۱۰ | ** ۰/۴۲۳ |
| شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه | ** -۰/۶۰۱ | ** -۰/۶۵۸ | ** -۰/۱۹۲ | ** ۰/۴۲۴ |

** $p < 0/01$

مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که رگرسیون متغیر ملاک (تعهد هویت) به طرف متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزند پروری) از نظر آماری معنی‌دار است. از این رو متغیرهای پیش‌بین قادرند تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی و تبیین کنند.

جدول ۲. تحلیل واریانس تعهد هویت بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین

| شاخص‌ها | مجموع مجذورات | df | میانگین مجذورات | F | سطح معنی داری |
|------------|---------------|-----|-----------------|--------|---------------|
| رگرسیون | ۳۹۵۸/۵۰۷ | ۳ | ۱۳۱۹/۵۰۲ | ۵۰/۳۷۳ | ۰/۰۰۱ |
| باقی مانده | ۴۶۱۰/۲۲۱ | ۱۷۶ | ۲۶/۱۹۴ | | |
| مجموع | ۸۵۶۸/۷۲۸ | ۱۷۹ | | | |

جدول ۳. سهم متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر ملاک (تعهد هویتی) نشان می‌دهد،

شیوه‌های فرزند پروری در مجموع (۰/۴۶) تعهد هویتی را تبیین می‌کند. ضریب تاثیر شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه به ترتیب (۰/۴۷۵)، (۰/۰۰۹)، (۰/۳۴۹-) است. شیوه‌های فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه از بین شیوه‌های فرزند پروری به ترتیب بیشترین ضریب تاثیر را دارند و این دو شیوه فرزندپروری با ۹۹ درصد اطمینان (۰/۰۱) $p <$ از توان پیش بینی مناسب برخوردارند.

جدول ۳. سهم متغیرهای مستقل در تبیین متغیر ملاک (تعهد هویت)

| شاخص‌ها | (B) | خطای انحراف معیار (SE) | بتا (β) | تی (t) | سطح معنی داری (p) | ضریب تعیین (R ²) |
|------------------------------|--------|------------------------|---------|--------|-------------------|------------------------------|
| شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه | ۰/۴۷۵ | ۰/۰۸۶ | ۰/۴۰۳ | ۵/۵۱۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۶۲ |
| شیوه‌ی فرزند پروری مستبدانه | ۰/۰۰۹ | ۰/۱۴۸ | ۰/۰۰۸ | ۰/۰۶۲ | ۰/۹۵۱ | |
| شیوه‌ی فرزندپروری سهل گیرانه | -۰/۳۴۹ | ۰/۱۲۵ | -۰/۳۶۱ | -۲/۷۸۶ | ۰/۰۰۶ | |

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد که رگرسیون متغیرملاک (هویت اطلاعاتی) به طرف متغیرهای پیش بین (شیوه‌های فرزند پروری) از نظر آماری معنی دار است. از این رو متغیرهای پیش بین قادرند تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی و تبیین کنند.

جدول ۴. تحلیل واریانس هویت اطلاعاتی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین

| شاخص‌ها | مجموع مجذورات | df | میانگین مجذورات | F | سطح معنی داری |
|------------|---------------|-----|-----------------|--------|---------------|
| رگرسیون | ۳۷۳۶/۹۹۰ | ۳ | ۱۲۴۵/۶۶۳ | ۵۹/۰۱۱ | ۰/۰۰۱ |
| باقی مانده | ۳۷۱۵/۲۱۰ | ۱۷۶ | ۲۱/۱۰۹ | | |
| مجموع | ۷۴۵۲/۲۰۰ | ۱۷۹ | | | |

جدول ۵. سهم متغیرهای مستقل را در تبیین متغیرملاک (هویت اطلاعاتی) نشان می‌دهد، شیوه‌ی فرزندپروری والدینی در مجموع (۰/۵۰) سبک هویتی اطلاعاتی را تبیین می‌کند. ضریب تاثیر شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه به ترتیب (۰/۳۵۹)، (۰/۰۳۸-)، (۰/۳۸۱-) است. از بین شیوه‌های فرزند پروری والدینی به ترتیب، شیوه‌های فرزندپروری سهل گیرانه و شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه بیشترین ضریب تاثیر را دارند و این دو شیوه با ۹۹ درصد اطمینان (۰/۰۱) $p <$ از توان پیش بینی مناسب برخوردارند.

جدول ۵. سهم متغیرهای مستقل در تبیین متغیر ملاک (هویت اطلاعاتی)

| متغیرها | شاخص‌ها | (B) | خطای انحراف معیار (SE) | بتا (β) | تی (t) | سطح معنی داری (p) | ضریب تعیین (R²) |
|------------------------------|---------|-------|------------------------|---------|--------|-------------------|-----------------|
| شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه | ۰/۳۵۹ | ۰/۰۷۷ | ۰/۳۲۷ | ۴/۶۴۳ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۰۱ | |
| شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه | -۰/۰۳۸ | ۰/۱۳۳ | -۰/۰۳۷ | -۰/۲۸۷ | ۰/۷۷۵ | | |
| شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه | -۰/۳۸۱ | ۰/۱۱۲ | -۰/۴۲۳ | -۳/۳۹۵ | ۰/۰۰۱ | | |

مندرجات جدول ۶ نشان می‌دهد که رگرسیون متغیر ملاک (هویت هنجاری) به طرف متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزند پروری) از نظر آماری معنی دار است و متغیرهای پیش‌بین قادرند تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی و تبیین کنند.

جدول ۶. تحلیل واریانس هویت هنجاری بر اساس شیوه‌های فرزند پروری والدین

| شاخص‌ها | مجموع مجزورات | df | میانگین مجزورات | F | سطح معنی داری |
|------------|---------------|-----|-----------------|-------|---------------|
| رگرسیون | ۳۲۸/۶۲۶ | ۳ | ۱۰۲/۵۴۲ | ۳/۷۴۲ | ۰/۰۱۲ |
| باقی مانده | ۵۱۵۲/۳۷۴ | ۱۷۶ | ۲۹/۲۷۵ | | |
| مجموع | ۵۴۸۱/۰۰۰ | ۱۷۹ | | | |

جدول ۷، سهم متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر ملاک (هویت هنجاری) نشان می‌دهد. شیوه‌های فرزندپروری در مجموع (۰/۰۶۰) سبک هویتی هنجاری را تبیین می‌کند. ضریب تاثیر شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه به ترتیب (۰/۲۸۵)، (۰/۳۹۵)، (-۰/۰۶۱) است. شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه، شیوه فرزندپروری مستبدانه و شیوه فرزند پروری مقتدرانه، به ترتیب بیشترین ضریب تاثیر را دارند. واز بین شیوه‌های فرزندپروری، شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با ۹۹ درصد اطمینان (۰/۰۱) $p <$ از توان پیش‌بینی برخوردار است.

جدول ۷. سهم متغیرهای مستقل در تبیین متغیر ملاک (هویت هنجاری)

| متغیرهای پیش‌بین | (B) | خطای انحراف معیار (SE) | بتا (β) | تی (T) | سطح معنی داری (P) | ضریب تعیین (R²) |
|------------------------------|--------|------------------------|---------|--------|-------------------|-----------------|
| شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه | -۰/۰۴۱ | ۰/۰۹۱ | -۰/۰۴۴ | -۰/۴۵۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۶۰ |
| شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه | ۰/۲۸۵ | ۰/۱۵۶ | ۰/۳۲۳ | ۱/۸۲۱ | ۰/۷۷۵ | |
| شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه | -۰/۳۹۵ | ۰/۱۳۲ | -۰/۵۱۱ | -۲/۹۸۶ | ۰/۰۰۱ | |

مندرجات جدول ۸ نشان می‌دهد که رگرسیون متغیر ملاک (هویت سردرگم

اجتنابی) به طرف متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزندپروری) از نظر آماری معنی‌دار است و متغیرهای پیش‌بین قادرند تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی و تبیین کنند.

جدول ۸. تحلیل واریانس هویت سردرگم اجتنابی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین

| مدل | شاخص‌ها | مجموع مجذورات | df | میانگین مجذورات | F | سطح معنی‌داری |
|------------|---------|---------------|-----|-----------------|--------|---------------|
| رگرسیون | | ۲۰۰۶/۴۲۲ | ۳ | ۶۶۸/۸۰۷ | ۱۴/۶۷۸ | ۰/۰۰۰ |
| باقی‌مانده | | ۸۰۹/۳۷۸ | ۱۷۶ | ۴۵/۵۶۵ | | |
| مجموع | | ۱۰۰۲۵/۸۰۰ | ۱۷۹ | | | |

جدول ۹ سهم متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر ملاک (هویت سردرگم اجتنابی) نشان می‌دهد. شیوه‌های فرزندپروری والدین، در مجموع ۲۰ درصد سبک هویتی سردرگم اجتنابی را تبیین می‌کند. ضریب تاثیر شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه به ترتیب (۰/۱۸۵-)، (۰/۱۷۰)، (۰/۲۱۴) است. از بین این شیوه‌ها، شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه بیشترین ضریب تاثیر را دارد.

جدول ۹. سهم متغیرهای مستقل در تبیین متغیر ملاک (هویت سردرگم اجتنابی).

| متغیرها | شاخص‌ها | (B) | خطای انحراف معیار (SE) | بتا (β) | تی (t) | سطح معنی‌داری (p) | ضریب تعیین (R ²) |
|------------------------------|---------|-------|------------------------|---------|--------|-------------------|------------------------------|
| شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه | -۰/۱۸۵ | ۰/۱۱۴ | -۰/۱۴۵ | -۱/۶۲۸ | ۰/۱۰۵ | ۰/۲۰ | |
| شیوه‌ی فرزندپروری مستبدانه | ۰/۱۷۰ | ۰/۱۹۵ | ۰/۱۴۳ | ۰/۸۷۳ | ۰/۳۸۴ | | |
| شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه | ۰/۲۱۴ | ۰/۱۶۵ | ۰/۲۰۵ | ۱/۲۹۹ | ۰/۱۹۶ | | |

● بحث و نتیجه‌گیری

○ نتایج پژوهش حاضر نشان داد که «شیوه‌های فرزندپروری» والدین، قادر به پیش‌بینی «بعاد هویتی» نوجوانان است. والدینی که شیوه فرزندپروری مقتدرانه دارند فرزندان نوجوان این والدین بیشتر از پیشرفت هویتی برخوردارند و بیشتر دارای تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی و هویت هنجاری هستند. می‌توان بر اساس نتایج بدست‌آمده گفت که از بین شیوه‌های فرزندپروری، شیوه فرزندپروری مقتدرانه به طور مثبت و شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه به طور منفی قادر به پیش‌بینی تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی و شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه به صورت منفی از توان پیش‌بینی مناسب

برای هویت هنجاری نوجوانان برخوردار است. بنابر نتایج، هیچ یک از شیوه‌های فرزند پروری والدین از توان پیش بینی مناسب برای سبک هویتی سردرگم اجتنابی برخوردار نیستند.

○ از بین شیوه‌های فرزندپروری والدین، شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه بیشترین رابطه مثبت را با هویت سردرگم اجتنابی داشت که بیانگر این است که نوجوانانی که از سبک هویتی سردرگم اجتنابی برخوردارند دارای والدینی با شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه هستند. همچنین شیوه فرزندپروری مقتدرانه به طور منفی و شیوه فرزندپروری مستبدانه به طور مثبت در ارتباط با هویت سردرگم اجتنابی بود که نشان می‌دهد که نوجوانانی با «هویت سردرگم اجتنابی» دارای والدینی با شیوه فرزندپروری مستبدانه هستند و این والدین کمتر از شیوه تعامل آزادی دادن به همراه اعمال محدودیت و رعایت برخی نظم و مقررات که خصیصه شیوه فرزند پروری مقتدرانه است استفاده می‌کنند.

○ از بین سبک‌های هویتی، «هویت هنجاری» در مقایسه با تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی کمترین ارتباط مثبت را با شیوه‌های فرزند پروری مقتدرانه دارد که بیانگر این است که والدین نوجوانانی که هویت هنجاری دارند در مقایسه با والدین نوجوانانی که از تعهد هویتی و هویت اطلاعاتی برخوردارند، بیشتر شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند. والدینی که شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه دارند فرزندان نوجوان این والدین از کمترین رشد هویتی برخوردارند و دارای هویت سردرگم اجتنابی هستند و از کمترین هویت اطلاعاتی و تعهد هویتی برخوردارند. نتایج این تحقیق همسو با گزارش‌های سامبولیس و همکاران (۲۰۰۱) است که در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که دل‌بستگی به هر دوی والدین ارتباط مثبت با تعهد هویت دارد و همچنین نتایج این پژوهش همسو با مطالعه‌ی فرانک و بیرس (۱۹۹۰) است که نشان داد رابطه آشفته والد-نوجوان، ارتباط مثبت با هویت پراکنده و ارتباط منفی با رشد هویتی دارد. تعهد هویت نوجوانان بیشتر ناشی از روابط عاطفی با والدین است (نیوکامپ، وینمان؛ ۱۹۹۰). پژوهش‌های آدامز (۱۹۹۲) نشان داد که نوجوانان بی‌هویت اغلب از جانب والدین خود به فراموشی سپرده شده و یا طرد شده‌اند، شاید علت این امر آن است که شکل‌گیری هویت در آغاز مستلزم همانندسازی با پدر و مادر است و

همانندسازی با ویژگی‌های آنان وقتی انجام می‌شود که نوجوانان به آنها دل بستگی داشته باشند.

○ همچنین نتایج تحقیق حاضر مطابق با نتایج تحقیقات سارتر و یانیس (۲۰۰۲)، فرانک و همکاران (۱۹۹۰)، و محمدی و لطیفیان (۱۳۸۶) است که در مطالعات خود با عنوان نقش حمایت والدین در رشد هویتی نوجوانان به این نتیجه رسیدند که کسب هویتی به طور معنی‌داری در ارتباط مثبت با حمایت‌های والدین از نوجوان در طول زندگی است. فرانک و همکاران (۱۹۹۰) نشان دادند که حمایت‌های والدین، ارتباط مثبت با کسب هویتی و ارتباط منفی با پخش هویت دارد. محمدی و لطیفیان (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیدند که بعد «گرمی-سردی» در روابط والدین با نوجوانان پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌داری برای رشد هویتی و تعهد هویت است. نوع وقایع زندگی و زمان آنها نقش مهمی در چگونگی تثبیت هویت جوانی دارد، تثبیت هویت در میان بیشتر جوانان وجود دارد، فرد آزاد نیست که هر طور بخواهد فکر کند یا هر چه را که شخصاً می‌پسندد انتخاب کند و به همین دلیل تثبیت هویت تا حد زیادی متأثر از عامل خانوادگی و اجتماعی است (لطف آبادی، ۱۳۸۴). کودکان نوپایی که درک خودسالمان دارند، از والدینی برخوردارند که حمایت عاطفی و آزادی کاوش کردن برای آنها تأمین می‌کنند. همین طور، در صورتی که خانواده پایگاه امنی باشد که نوجوانان بتوانند با اطمینان از این پایگاه به سوی دنیای بزرگتر پیش بروند، رشد هویت تقویت می‌شود (ای برک، ۲۰۰۱). نوجوانانی که احساس می‌کنند به والدین‌شان وابسته‌اند اما در عین حال آزادند تا عقاید خودشان را بیان کنند، هویت کسب کرده یا در حال وقفه هستند. نوجوانانی که از هویت پیش‌رس برخوردارند، معمولاً روابط صمیمی با والدین دارند اما از فرصت جدا شدن سالم بی‌بهره هستند. نوجوانانی که دارای پراکندگی هویت هستند از کمترین رابطه صمیمانه و ارتباط آزاد در خانواده خبر می‌دهند (ای برک، ۲۰۰۱).

○ نتایج اکثر مطالعات، نشان دهنده تأثیر «خانواده» و شیوه تربیتی والدین در فرایند شکل‌گیری هویت می‌باشد. چنانکه شالتسیس و بلاستین (۱۹۹۴) خانواده را به عنوان مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان می‌دانند و ترکیبی از دل بستگی عاطفی به والدین و تشویق فردیت و استقلال در خانواده را از عوامل تعیین‌کننده رشد هویت به شمار می‌آوردند بطور کلی بر اساس نظر اکثر صاحب نظران تأثیر پذیری فرد از خانواده

غیر قابل انکار است و خانواده مهمترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان تلقی می‌شود (شالتسین و بلاستین، ۱۹۹۴).

○ طبق نتایج تحقیقات انجام گرفته شده در گذشته و نتایج پژوهش حاضر می‌توان به این نتیجه رسید که نوع «تعامل والدین با نوجوانان» اثر تعیین‌کننده‌ای بر رشد هویتی نوجوانان دارد بدین صورت که والدینی با شیوه فرزند پروری مقتدرانه باعث رشد هویتی و کسب هویت و شیوه‌های فرزند پروری مستبدانه و سهل‌گیرانه در ارتباط با بحران هویتی و عدم کسب هویت و ماندن در هویت سردرگم اجتنابی است.



یادداشت‌ها

- | | |
|---|---------------------|
| 1- parenting styles | 2- permissive style |
| 3- authoritarian styles | 4- psycho-social |
| 5- trust vs. mistrust | 6- diffused |
| 7- foreclosure | 8- moratorium |
| 9- achieved | 10- authoritative |
| 11- commitment identity | |
| 12- Parenting Style and Dimensions Questionnaire (PSQD) | |
| 13- Identity Style Inventory | 14- informational |
| 15- diffuse-avoidant | 16- normative |

منابع

- ای برک، لورا (۲۰۰۱). روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی). جلد دوم، تهران، نشر ارسباران.
- شکری، شهرآرای، دانشورپور، دستجردی (۱۳۸۶)؛ تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و عملکرد تحصیلی: نقش تعهد هویت و بهزیستی روانشناختی؛ پژوهش در سلامت روان‌شناختی؛ دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۶.
- فارسی‌نژاد، معصومه (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد (نوجوانی، جوانی، بزرگسالی)، جلد دوم، تهران، سمت.
- محمدی، لطیفیان (۱۳۸۶). بررسی قدرت پیش‌بینی ابعاد هویتی فرزندان از طریق ابعاد فرزندپروری والدین در میان دانشجویان دانشگاه شیراز؛ دانشگاه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء؛ مطالعات روانشناختی؛ دوره چهارم، شماره ۲ صفحه ۴.
- مومنی فرشته، امیری شعله (۱۳۸۶). بررسی رابطه‌ی میان انواع سبک‌های فرزندپروری والدین و بروز علائم بی‌اشتهایی روانی در دختران نوجوان ۱۴ تا ۱۷ ساله شهر اصفهان؛ خانواده پژوهی، سال سوم،

شماره دوم.

- Adams, G.C., (1992). The relation among identity development self- consciousness and self- focusing middle and late adolescent *Development Psychology*, 23,9,292-297.
- Adams, G. R., Dyks , P., & Bennion, L. D. (1990). Parent-adolescent relationships and identity formation. In B. K. Barber & B. C. Rollins (Eds.), *Parent-adolescent relationships* (pp. 1-16). Lanham, MD: University Press of America.
- Baumrind, D. (1968). Authoritarian vs. authoritative parental control. *Adolescence*, 3, 255-272.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4, 1-103.
- Bhushan, R., & Shirali, K. A. (1992). Family types and communication with parents: A comparison of youth at different identity levels. *Journal of Youth and Adolescence*, 21, 687-697.
- Berzonsky, M. D. (1997). Identity development, control theory, and self regulation: An individual differences perspective. *Journal of Adolescent Research*, 12, 347-353.
- Erikson, E. H. (1963). *Childhood and society* (2nd ed.). New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Hill, J. P. (1983). Early adolescence: A research agenda. *Journal of Early Adolescence*, 3 (1-2), 1-21.
- Frank, S. J., Pirsch, L. A., & Wright, V. C. (1990). Late adolescents' perceptions of their relationships with their parents: Relationships among deidealization, autonomy, relatedness, and insecurity and implications for adolescent adjustment and ego identity status. *Journal of Youth and Adolescence*, 19, 571-588.
- Marcia, J.E. (1980), Identity in adolescence, In: J. Adelson. (Eds.) *Handbook of adolescent psychology*, , New York, Wiley.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J. E. (1993). The status of the statuses: Research review. In J. E. Marcia, A. S. Waterman, D. R. Matteson, S. L. Archer, & J. L. Orlofsky (Eds.), *Ego identity: A handbook for psychosocial research* (pp. 22-41). New York: Springer-Verlag.
- Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11, 1-19.
- Schultheiss, D. P., & Blustein, D. L. (1994). Contributions of family relationship factors to the identity formation process. *Journal of Counseling and Development*, 73, 159-166.
- Samuolis, J., Layburn, K., & Schiaffino, K. M. (2001). Identity development and attachment to parents in college students. *Journal of Youth and Adolescence*, 30, 373-384.
- Sartor, C. E., & Youniss, J. (2002). The relationship between positive parental involvement and identity achievement during adolescence. *Adolescence*, 37, 221-234.

Schulthesis , D . P & Blustein , D. L. (1994) . " Contributions of family relationships factors to the identity formation process " *Journal of Counseling and Development*, 73, 159 – 166 .

White, J. M., Wampler, R. S., & Winn, K. I. (1998). The identity style inventory: A revision with a sixth-grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13, 223-245.

Winmann, L. L., & Newcombe, N. (1990). Relational aspects of identity: Late adolescents' perceptions of their relationship with parents. *Journal of Experimental Child Psychology*, 50, 357-369.

